مکزیک و پرتغال را می‌برید

عکس: عباس کرمی، شرق

ادامه از صفحه ۱۳

■ فلسفه شما در مربیگری چیست؟

من خون هلندی دارم که همان فوتبال هجومی است. تئودور یونگ کاملاً به فوتبال هجومی فکر می‌کند اما من به واسطه سفرهایی که به جاهای مختلف داشته‌ام، واقع‌بین‌تر شده‌ام و کمی هم به دفاع فکر می‌کنم. به این رسیده‌ام که در فوتبال فقط نمی‌شود با خوب حمله کردن موفق شد. من دفاعی فکر می‌کنم و یونگ تهاجمی. فکر می‌کنم مکمل خوبی برای هم هستیم. در هلند البته نمی‌توانید دفاعی بازی کنید. این فوتبالی که سپاهان و ابومسلم بازی می‌کنند، یعنی همه دفاع کنند و بعد ضدحمله بزنند در هلند اصلاً طرفدار ندارد. درست است که ما دو بار حقمان را در جام جهانی خورده‌اند، اما یکی از دلایلی که هلند تا حالا در فوتبال جهان به موفقیت نرسیده به خاطر این بوده که خواسته زیبا بازی کند.

■ شما خودتان در بازی استقلال و پرسپولیس با روش دفاع- ضدحمله بازی نمی‌کردید؟

اگر دقت کرده باشید، ما چون داشتیم با تیم صدر جدول بازی می‌کردیم، تصمیم گرفتیم که با روش دفاع- ضدحمله بازی کنیم. چون ما که در هلند بازی نمی‌کردیم که دوست داشتم یک نتیجه خوب بیاورم برای هواداران باشگاه. ما افکار خودمان را داریم، اما باید خودمان را با شرایط فوتبال ایران وفق دهیم. در ایران باید همه را راضی نگه داشت، هیات‌مدیره، مدیرعامل، مطبوعات و هواداران.

■ پس باید برای نتیجه بازی کنید...

تو هلند این جوری نیست اما اینجا باید این کار را کرد. من قبلاً که فقط در هلند بازی می‌کردم کاملاً به فوتبال هجومی فکر می‌کردم. اما بعداً که به جاهای دیگر دنیا هم سفر کردم و فوتبال آنجاها را دیدم واقع‌بین‌تر شدم. حالا می‌دانم که دفاع و حمله مکمل هم هستند. می‌دانم که کجا باید چه کار کنم، باید قشنگ بازی کنم، باید قشنگ بازی کنم و نتیجه بگیرم، یا فقط باید نتیجه بگیرم حتی اگر بد بازی کنم.

■ خب، این که شما در ایران فقط به نتیجه گرفتن فکر می‌کنید همان تفکر مورینیو است نیست؟

چرا این جوری نگاه می‌کنید، بروید رایکارد را ببینید. هم نتیجه گرفته، هم مدیرعامل را راضی کرده و هم هیات‌مدیره را و هم طرفداران باشگاه را.

■ برای شما زیبا بازی کردن بیشتر اهمیت دارد یا نتیجه گرفتن؟

می‌خواهم قشنگ بازی کنیم و قهرمان شویم.

■ دو دهه پیش هم پرسپولیس زیبا بازی می‌کرد و قهرمان می‌شد...

خوشبختانه حالا طرفداران آن روزها را یادشان نیست. اما به محض اینکه نتیجه بگیریم، تماشاگران بازی زیبا هم یادشان می‌آید.

■ برای زیبا بازی کردن، اولین کاری که باید انجام دهید چیست؟

اولین هدف من این است که به بازیکنانم بیاموزم چگونه بدوند و چگونه فوتبال بازی کنند تو زمین. هنوز بازیکنان من یاد نگرفته‌اند که چگونه توپ را در زمین بدوانند. باید کم کم اصول تاکتیکی را یادشان بدهم. می‌دانید که در ایران حرکات فردی زیاد انجام می‌شود و این به ضرر فوتبال ایران است. متاسفانه طرفداران هم حرکات فردی را دوست دارند، اما در اختیار تیم بودن مهم‌تر است. هرچقدر تیم قوی‌تر باشد، بازیکن ستاره دیگر به چشم نمی‌آید. برای اینکه بشود در فوتبال موفق شد باید حتی بازیکن ذخیره هم از کلاس خاصی برخوردار باشد.

■ در مربیگری تحت تاثیر چه کسی هستید؟

شانسی که خدا به من داده این بوده که با مربیان خیلی بزرگی کار کرده‌ام. اوایل کارم با رینوس میشل بود. متدهایش عالی بود، به من شخصیت داد، به من گفت که چگونه باید با مردم برخوردکنم. اشتفان کواچ یک مربی احساسی بود، اما به ما یاد داد که چگونه تحت فشار حریف فوتبال خوب بازی کنیم.

او از نظر تاکتیکی یک مربی فوق‌العاده بود و درباره‌اش می‌گفتند که روباه است. پس از او با ارنست هاپل کار کردم. از هاپل یاد گرفته‌ام که چگونه برخورد کنم. نگاه‌کردن به بازیکنان حریف، نشستن، برخاستن، را از او آموختم. وقتی با او بودیم مطمئن بودیم که نمی‌بازیم. بعدش هم با ایویچ آشنا شدم.

ایویچ مثل مورینیو بود چون خودش فوتبالیست نبوده، اما با سیستم و تاکتیک می‌توانست موفق باشد. چیزهای خوبی هم از او یاد گرفتم. شانس آوردم که اینها به ترتیب مربی من شدند. در زندگی هم سعی کردم به آن چیزهایی که یاد گرفته‌ام، عمل کنم.

■ در هلند شما چه لقبی دارید؟

من خیلی اسم و لقب دارم. من اصلاً معروف هستم که زیر بار حرف زور نمی‌روم و یاغی‌ام.

اما در مربیگری نمی‌شود یاغی بود، نمی‌شود با بازیکنان آن جوری برخورد کرد، چون به آنان وابسته‌ای. پس باید کمی زیرک بود. من اصولاً با رسانه‌ها خوب تا می‌کنم. من اولین مربی‌ای بودم که به عنوان یک آژاکسی رفتم فاینورد مربی شدم. اصلاً سابقه نداشت که کسی از آژاکس به فاینورد برود. در مرحله یک‌چهارم باشگاه‌های اروپا خوردیم به گلادباخ، افنبرگ هم توگلادباخ بود. ما بازی رفت با گلادباخ دو- دو کردیم، اما در بازی برگشت در رتردام استادیوم پر بود. ما چون در هلند بازی می‌کردیم، باید با سیستم ۳-۳-۴ بازی می‌کردیم. صفر- صفر بودیم. آنها سعی می‌کردند ریسکی بازی کنند، اما ما با دفاع- ضدحمله بازی می‌کردیم. برای همین دقیقه هفتاد سعی کردم تیم را تدافعی‌تر کنم. همه اعتراض می‌کردند که چرا داری تیم را دفاعی می‌کنی. بهترین بازیکن فاینورد را کشیدم بیرون و یک هافبک نفوذی آوردم. تمام استادیوم داشتند فحشم می‌دادند، به ویژه اینکه آژاکسی هم بودم. برای من فقط نتیجه مهم بود. یک ربع مانده بود، هنریک لارسن را هم آوردم بیرون. باز هم همه اعتراض کردند. اما آن هافبک نفوذی که آوردم گل را زد و ما بردیم. بعد که داشتم از پله‌ها برای مصاحبه مطبوعاتی بالا می‌آمدم همه می‌گفتند که این نمی‌فهمد با این تعویض‌هاش.

یکی از معروف‌ترین خبرنگاران هلند که خودش فوتبالیست هم بوده، به من گفت شانس آوردی. گفتم منظورت چیه. گفت چرا لارسن را آوردی بیرون. بعد در مصاحبه مطبوعاتی که آن خبرنگار را دیدم به او گفتم خوب شد تو مربی نشدی چون هیچ چیز از فوتبال نمی‌فهمی. تا یک مدت بسیاری در روزنامه‌ها تو کار من می‌گذاشت. اما من حرف خودم را زدم. اصلاً مشهورم به این که با صراحت حرفم را می‌زنم.

■ خیلی زود نبود که رابطه شما با برانکو تیره شد؟

برای من این معما بود که چرا ایشان روز بازی می‌خواست از بازیکنانم تست خون بگیرد. هم او و هم مربی تیم امیدها هیچ‌کدام با من صحبت نمی‌کنند، راجع به بازیکنانم. نمی‌دانم با مربیان دیگر ایران صحبت می‌کند یا نه، اما از آلمان خبر دارم که او همواره با نوی رورر در ارتباط است و وضعیت هاشمیان را کنترل می‌کند. چه جوری است که با او تماس می‌گیرد اما با من که همین جا در ایرانم صحبت نمی‌کند. برانکو فکر می‌کند مگر کیست. من خیلی آدم منطقی‌ای هستم. ولی وقتی یک نفر بیاید و من احساس کنم که دارد علناً به تیم من ضربه می‌زند با او مقابله می‌کنم من خودم ختم روزگار هستم و می‌دانم دارم چه کار می‌کنم. اگر بخواهم دهانم را باز کنم، خیلی از مسائل هست که می‌توانم آنها را بازگو کنم.

■ ما شنیدیم وقتی خود شما هم در چین بودید زیاد تماس نمی‌گرفتید با مربیان باشگاه‌ها...

اولاً که این جوری نیست، من اگر خودم هم صحبت نمی‌کردم حتماً دستیارم با مربیان باشگاه‌ها صحبت می‌کرده، حتی با فیزیوتراپ بازیکن هم صحبت می‌کردیم. دوماً در چین مسافت‌ها زیاد است و نمی‌شد راه به راه رفت با مربیان صحبت کرد. ایران دارد پیشروی می‌کند به سوی فوتبال اروپا. ایران خیلی به فوتبال روز نزدیک‌تر است تا چین. آنجا فقط تیم ملی اهمیت دارد. من تیم ملی را چهار ماه در اختیار داشتم. من حتی برای باشگاه‌ها هم بدنسازی می‌کردم. چین سیستمش فرق می‌کند با ایران. مربی تیم ملی در کشوری وابسته است به مربیان باشگاهی، پس باید با آنها ارتباط داشته باشد.

■ از تیم ملی فوتبال ایران شناخت دارید؟

[سرش را تکان می‌دهد]

■ اگر بازی با مکزیک شما سرمربی تیم ایران بودید، تیم را چگونه می‌چیدید؟

من که نیستم. این بنده خدا به اندازه کافی تحت فشار رسانه‌ها است. اجازه بدهید من دیگر حرفی نزنم.

■ شما یک بار به عنوان سرمربی تیم ملی چین مقابل ایران قرار گرفته‌اید. فکر می‌کنید ایران با آن کیفیت می‌تواند در جام جهانی موفق باشد؟

در جام ملت‌ها ما واقعاً فکر نمی‌کردیم که ایران این قدر قوی باشد و این قدر مهره‌های خوب داشته باشد. یادم هست که قبل از بازی ایران و کره جنوبی به رئیس فدراسیون فوتبال چین گفتم که ترجیح می‌دهم در نیمه‌نهایی با کره روبه‌رو شوم تا ایران. حالا که دو سال از آن روزها می‌گذرد و قاعدتاً تیم باید قوی‌تر شده باشد. حالا کریمی در آلمان بازی می‌کند، آن موقع در امارات بود ضمن اینکه هاشمیان و زندی در آن بازی‌ها نبودند. البته مکزیک و پرتغال تیم‌های خوبی هستند، اما ایران اگر در روز خوبش باشد، هم می‌تواند پرتغال را بزند و هم مکزیک را.

■ از مکزیک و پرتغال چه شناختی دارید؟

مکزیکی‌ها یک فوتبالی مثل کره ۲۰۰۲ دارند، توپ را خوب می‌دوانند، سریع اضافه می‌شوند. ایران نباید بگذارد که آنها پاس‌های کوتاه به هم بدهند و باید پاس‌های کوتاهشان را قطع کند. آنگاه اگر بهشان فشار وارد کنید می‌توانید نتیجه بگیرید. پرتغال یک مربی خیلی خوب دارد که فوتبال را خیلی خوب می‌فهمد اما بازیکن‌هایش پیر شده‌اند. مثلاً فیگو، فیگوی دو سال پیش نیست. اما فوتبال را خوب بلدند بازی کنند.

■ راستی چی شد که چین در رقابت‌های مقدماتی جام جهانی از گروهش بالا نیامد؟

بروید از ولاپان بپرسید چگونه است که کویت در عرض سی دقیقه پنج تا گل می‌زند و به دلیل تفاضل گل بهتر ما را پشت سر می‌گذارد. ما یک سال تمرین نکرده بودیم، چون سارس تو چین بود، اما به محض اینکه تمریناتمان را ماه فوریه آغاز کردیم، برایمان بازی گذاشتند. دقیقاً هنگام بدنسازی بازی کردیم. بروید تحقیق کنید ببینید در سی دقیقه آخر بازی کویت و مالزی چه اتفاقی افتاد.

■ شما این توانایی را در خودتان می‌بینید که روزی رینوس میشل فوتبال هلند شوید؟

نه، چون زیاد هلند نیستم، اصلاً نمی‌توانم بشوم. او استاد من بود. یک چیز دیگر بود.

■ هلند بدون میشل می‌توانست این قدر پیشرفت کند؟

نه، او اول آدم خیلی شوخی بود، اما پس از اینکه با آژاکس قهرمان شد، کاملاً تغییر رفتار داد و جدی شد.

■ با یوهان کرایف خیلی اختلاف دارید؟

اگر با او هماهنگ می‌شدم حالا یکی از مربیان بزرگ دنیا بودم.

■ مثل اینکه کرایف در هلند، مثل بکن باوئر در آلمان است. باند خودش را دارد و...

تقریباً. بکن باوئر در بایرن فقط نفوذ دارد، اما در فوتبال هلند همه تحت‌تاثیر کرایف هستند. هرچه او بگوید همه انجام می‌دهند.

■ بهترین مربی فوتبال هلند کیست؟

همه مربیان هلندی خوب هستند، فقط موفق و ناموفق داریم ونگال در هلند عالی بود اما در بارسلونا موفق نشد، برعکس او رایکارد در هلند تیم را برد دسته دو، اما با استفاده از نفوذ باند کرایف، سرمربی بارسلونا شد و این تیم را قهرمان کرد.

■ در زندگی‌تان چیزی هست که همیشه حسرتش را خورده باشید؟

من تمام مقام‌ها و جام‌ها را برده‌ام، اما چیزی که همیشه حسرتش را می‌خورم این است که چرا قهرمان جام جهانی نشدیم و چرا سر ما را بریدند.

خلاصه گفت‌وگو

۱- وقتی یک نفر بیاید و من احساس کنم که دارد علناً به تیم من ضربه می‌زند با او مقابله می‌کنم من خودم ختم روزگار هستم و می‌دانم دارم چه کار می‌کنم. اگر بخواهم دهانم را باز کنم، خیلی از مسائل هست که می‌توانم آنها را بازگو کنم.
۲- اگر با کرایف هماهنگ می‌شدم حالا یکی از مربیان بزرگ دنیا بودم.
۳- من تمام مقام‌ها و جام‌ها را برده‌ام، اما چیزی که همیشه حسرتش را می‌خورم این است که چرا قهرمان جام جهانی نشدیم و چرا سر ما را بریدند.
۴- می‌خواهم قشنگ بازی کنیم و قهرمان شویم.

جدول شماره ۶۰۳

فرهنگ امامی
Farhang_Emami@yahoo.com

۱- نویسنده و شاعر فرانسوی مولف کتاب چراغ علاءالدین- نام دیگر زیست‌شناس. ۲- نام قدیم شهر اهر در استان آذربایجان- تزئین کردن. ۳- جود و بخشش- پسوند وفور- پرسش- نام آذری. ۴- خدای درویش- ارسال توپ به یار هم‌تیمی- خانه و منزل- فراری و گریزان. ۵- دشمنی و عداوت- نام دیگر ظرفیت شیمیایی- قیمت و ارزش. ۶- شهری در بلغارستان- علت و انگیزه- هوش و حافظه. ۷- شرح و تفسیر اوستا- فیلسوف و سیاستمدار مشهور چینی- یکی از پیامبران. ۸- دستیار هیتلر- نظام ارباب‌رعیتی- ایالتی در فرانسه. ۹- نوعی خرس کوچک درختی- اشاره به فلانی- پوستین. ۱۰- سرخ کمرنگ- درخت- فقیر و بی‌چیز. ۱۱- گذرگاه- پزشک و جراح مشهور اندلسی- ساده و زودباور. ۱۲- صاعقه و رعدوبرق- محل بازگشت- توجه و اعتنا- خرخر کردن در خواب. ۱۳- حرف انتخاب- وضع یا کیفیت واجب بودن- پرنده بهاری- ساختمان. ۱۴- بی‌نیازی و توانگری- از ورزش‌های توپ و تور. ۱۵- کنایه از ساکت و خاموش و بی‌صدا- نغمه و آهنگ.

۱- معمولاً بر سر آدم بی‌گناه می‌شکنند- مجوز انتشار. ۲- سردترین شهر روی زمین که در شمال غربی سیبری قرار دارد- درخور شأن. ۳- لباس و جامه- تنه درخت- آزموده و متبحر- لنگه‌بار. ۴- کلید کناری صفحه کیبورد رایانه- گسترده- واحد شمارش گردوی پوست‌کنده- عصاره. ۵- بلندمرتبه و گرامی- آنزیمی که نشاسته را به مولکول‌های ساده تبدیل می‌کند- کنار و پهلو. ۶- موش‌خرما- صدا و نوا- صاف و مسطح. ۷- خانواده موسیقیدان آلمانی- ترشح زیاد آن در معده موجب آزار است- سبیل. ۸- پول ژاپنی- یکی از صنایع شعری که در آن شاعر موضوعی را از جهتی نفی و از جهتی اثبات می‌کند- زشت و ناپسند. ۹- تشنه‌فریب بیابان- حشره و کرمینه- از جشن‌های ایران باستان. ۱۰- جزیره ایران در خلیج فارس- صومعه- کبوتر دشتی. ۱۱- پشت سر- شهری در شمال‌شرقی فرانسه در کنار رود رن- از روزنامه‌های مهم ترکیه. ۱۲- شبنم- روز عرب- شایسته و سزاوار- جنس به ظاهر قوی. ۱۳- تصدیق انگلیسی- شرف و حیثیت- جان بر سر دوست می‌کنند- دومین حرف یونانی. ۱۴- آدم بدشانس معتقد است در هفت آسمان یکی هم ندارد- مدرسه تاسیس شده به وسیله امیرکبیر. ۱۵- باد شدید و لرزان- محل تهیه داروی تجویز شده.

حل جدول ـ ۶۰۲

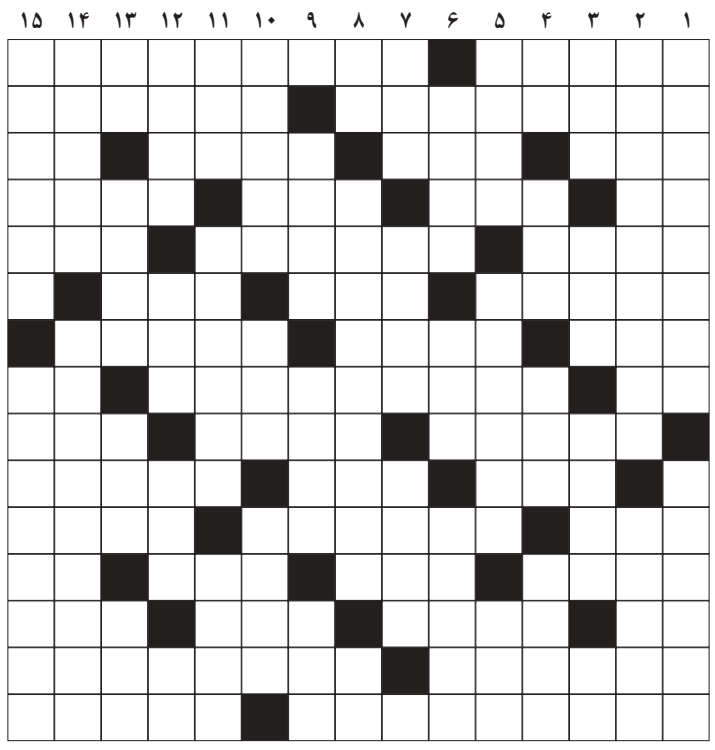

چهره‌ها

سامره: بین من و استقلال مسائلی هست که...

علی خماند: تماشای او با پیراهن قرمز آرزوی بزرگی است. آرزوی بزرگ همه کسانی که شیوه بازی مدرن و فرصت‌طلبانه علی را می‌پسندند. این قرمز را که عرض می‌کنیم، قرمز پرسپولیس نیست، قرمز ملی است. قرمزی که با برانکو هرگز قسمت او نشد، گرچه او امسال در بهترین فرم زندگی ظاهر شد و تا پای آقای گل امارات رفت...

■■■

■ از حضور در امارات راضی هستی؟

کاملاً، فوتبال را با لذت بازی می‌کنم و تاثیرش را هم دیده‌اید. در ۲۲ بازی ۱۸ گل زدم این یعنی موفقیت. پس باید از حضور در لیگ امارات راضی باشم.

■ تفاوت لیگ امارات با ایران چیست؟

تفاوت این دو لیگ در نظم خاصی که در فوتبال امارات است خلاصه می‌شود. آنها خیلی دقیق برنامه‌ریزی می‌کنند و روزبه‌روز هم لیگ امارات در حال پیشرفت است. این پیشرفت در تیم ملی امارات هم تاثیر می‌گذارد.

■ بازیکنان دیگر ایران در تیم‌های بهتری بودند اما مثل تو نتوانستند گل بزنند.

من روی توانایی خودم حساب کردم نه روی قدرت تیم الشعب. مصمم بودم تا آقای گل امارات بشوم و فقط یک گل کم آوردم. البته باید اعتراف کنم گل زدن در الشعب کار بسیار سختی است.

■ اندرسون بالاخره بازی را از تو برد و آقای گل امارات شد.

او مهاجم خوبی است، اما من اگر مهاجم شارجه بودم اکنون با ۳۰ گل آقای گل امارات می‌شدم.

■ مثل اینکه از انتخاب لیگ امارات خیلی راضی هستی؟

این را باید از بازی‌هایم دیده باشید، کاملاً فرق کردم. انگیزه‌ام در امارات بیشتر از گذشته شده است. من زمانی به امارات آمدم که از نظر روحی در شرایط خوبی نبودم ولی در اینجا کاملاً همه چیز را فراموش کردم.

■ فوتبال امارات چه چیزی به تو اضافه کرد؟

هر سال به تجربه‌ام اضافه می‌شود. البته از نظر فنی چیزی به من اضافه نشد چون تکنیک در ذات من است. فقط در امارات تمرکزم بر تمرینات بیشتر شد و دیدید که وقتی تمرکز داشته باشم چقدر می‌توانم مفید باشم.

■ علی از پولی که گرفتی راضی هستی؟

پول امارات که مهم نیست. همین پول را می‌توانستم در ایران بگیرم اما مجبورم کردند به امارات بروم. در استقلال ماندنم کمک نمی‌کرد و شرایط مجبورم کرد که بروم. اکنون شرایط طوری رقم خورده است که چندان تمایلی به ماندن در امارات ندارم و اگر پیشنهادی از ایران داشته باشم به آن فکر می‌کنم.

■ چرا به استقلال نمی‌روی؟

آنها اصلاً با من صحبت نکرده‌اند. من هم که نمی‌توانم

بروم بگویم من را بگیرید. در ضمن مسائلی با استقلال وجود دارد که به موقع آنها را می‌گویم.

■ کدام یک از ایرانی‌های شاغل در امارات خوب بودند؟

خیلی سخت است زیرا همه در این سال عالی بودند ولی فرهاد مجیدی و ایمان مبعلی بی‌نظیر کار کردند.

■ بازار بازیکنان ایرانی در امارات چطور است؟

عالی، بازیکنان ایرانی آنقدر خوب کار کردند که عرب‌ها مجاب شده‌اند تا بازیکن ایرانی را به خدمت بگیرند.

■ مثلاً چه کسانی؟

۴، ۵ بازیکن اگر اراده کنند به امارات می‌آیند؛ برهانی، عنایتی، اکبرپور، کاظمیان، خطیبی مدنظر باشگاه‌های امارات هستند.

■ فکر می‌کنی دوباره می‌توانی اینقدر گل بزنی؟

این فصل که جرقه نبود. فصل گذشته در ۱۴ بازی، ۱۰ گل زدم. در این فصل هم ۱۸ گل زدم این یعنی آتش‌بازی نه جرقه، من دو فصل خوب را در امارات داشتم و مطمئن باشید در فصل آینده هم اگر در امارات بمانم پای ثابت آقای گلی هستم.

■ چقدر به ماندن در الشعب امیدواری؟

۵۰ درصد، من درخواست‌هایم را به باشگاه الشعب دادم و فقط یک هفته فرصت دارند تا جواب بدهند اگر جواب دادند و خواسته‌هایم را اجرا کردند که می‌مانم وگرنه دیگر به الشعب فکر نمی‌کنم چون دو، سه پیشنهاد دست به نقد از قطر، خود امارات و ایران دارم.

■ گویا با الوصل هم صحبت کردی؟

صحبت‌هایی شده اما نه به طور جدی، ولی برای تیم آینده‌ام نگران نیستم چون پیشنهادات خوبی دارم.

■ یادمان هست مصاحبه کردی و اعتقاد داشتی که بازیکنان الشعب به تو پاس نمی‌دهند؟

بعد از بازی با الشعب اکثر روزنامه‌ها عکس من را چاپ کردند و تیتر زدند که «سامره مرد دربی». در تمرینات ۱۸۰ درجه رفتارهای بازیکنان با من عوض شد و در بازی هم به من پاس نمی‌دادند. دو، سه مورد کاملاً در بازی آنها می‌توانستند به من پاس بدهند تا گل بزنم اما این کار را نکردند.

■ بیشترین گل را در الشعب زدی، باشگاه چه پاداشی به تو داد؟

هیچ. تنها اتفاقی که افتاد این بود که می‌خواستند من را نگه دارند.

■ قضیه پرسپولیس چیست؟

چندان جدی نیست، چندین بار ضمنی شنیدم اگر در امارات نمانم حتماً به گزینه‌های ایران فکر می‌کنم.

■ حتی پرسپولیس؟

پرسپولیس هم یک پیشنهاد است.

متن حاشیه

رونالدینیو به جای کریمی

لغو برنامه پخش دیدارهای ایران در جام جهانی از طریق نمایشگرهای بزرگ میدان‌های اصلی تهران قابل انتظار بود. چرا که با وجود علاقه برخی مدیران ارشد شهرداری به برنامه‌ریزی برای شکل‌گیری این همایش بزرگ و بی‌سابقه که می‌توانست یک روز خاص را شکل بدهد، به‌نظر نمی‌رسید مراجع بالاتر علاقه‌ای به برگزاری تجمعی با این حجم داشته باشند، تجمعی که به‌جز ترافیک و قفل کردن خیابان‌های منتهی به چند میدان کلیدی مثل ونک و هفت‌تیر ممکن بود تبعاتی نیز به همراه داشته باشد و با توجه به اینکه اداره شهر در چنین شرایطی دشوارتر است مجوز تماشای فوتبال دسته‌جمعی پای تلویزیون‌های بزرگ به تاریخ پیوست. شمایی که شنیدن این خبر ناراحتتان کرده می‌توانید به هنگام عبور از میادین بزرگ به فیلم‌های کوتاه و جذاب تبلیغاتی نایکی با شرکت ستارگان برزیل و پرتغال نگاه کنید و لذت ببرید!

خود غلط بود آنچه می‌پنداشتیم

پس از پخش آهنگ «ایران من» روی تصاویر انتخابی برنامه یار دوازدهم، برنامه نود برای اولین بار کلیپ آخرین آهنگ علیرضا عصار را که به‌منظور جام جهانی تنظیم شده است در ابتدا و انتهای برنامه دو بار پخش کرد تا حاصل کار مشترک عصار و شهرداد روحانی با شعری از شاهکار بینش‌پژوه مورد قضاوت قرار بگیرد. صد البته کلیپ پخش شده کار آبرومندی بود و اثر بد تصاویر پخش شده شب قبل در برنامه یار دوازدهم را از بین برد اما خود ترانه... به‌نظر می‌رسد آنچه عصار با عنوان ثانوی «آهنگ جام جهانی» به مردم ایران تقدیم کرد ارتباط چندانی با فضای موجود نداشت و بیشتر مناسب فضاهای حماسی مثل جنگ بود تا ورزش سرگرم‌کننده‌ای مثل فوتبال. آنها که پیش از بازی ایران- آلمان، هیجان صد هزار نفری را با آهنگ‌های نه‌چندان سطح بالای ژان میشل‌ژار تجربه کرده‌اند به کارکرد ترانه عصار در مدیوم جام جهانی مشکوک‌اند. آیا فوتبال عرصه‌ای متفاوت‌تر، راحت‌تر و شادتر از آنچه می‌پنداریم نیست؟

کت و شلوار تیم ملی

پس از آنکه فدراسیون فوتبال برای دوخت لباس‌های فرم تیم ملی با شرکت پوما که ظاهراً قرار بود با طرح و پارچه کمپانی مشهور ایتالیایی گوچی لباس تیم ملی را طراحی کند به توافق نرسید، شرکت مشهور «تن‌در» از تولیدکننده‌های مشهور پوشاک مردان در ایران اقدام به دوخت کت و شلوارهای بازیکنان تیم ملی کرد. طبق آنچه دیده و شنیده‌ایم، بعد از چند روز سایزگیری با وسواس از بازیکنان تیم ملی در هتل المپیک کت و شلوارها، پنجشنبه این هفته «پرو» و به تیم تحویل می‌شود تا ایرانی‌ها دست کمی از ایتالیایی‌ها که امسال با کت و شلوار مشکی و پیراهن سورمه‌ای روی همه را کم کرده نداشته باشند. کت و شلوار بازیکنان ایران راه‌راه و زیباست و رنگ آن پس از کلی مشورت و بالا و پائین به تصویب رسیده است.

ایده حرام کن

برنامه نود این هفته گرچه حرکتی بود برای تجدید خاطره مجدد با ستارگان دو جام جهانی ۷۸ و ۹۸، اما آنچه باعث تعجب بود گذر سریع از بازی‌های ۱۹۷۸ بعد از برنامه مفصل هفته پیش بود که عده بسیاری به نیت تکرار آن پای تلویزیون‌ها نشستند. در حالی که می‌شد با چند مصاحبه اضافه با ملی‌پوش‌های آن دوره و پخش کامل لحظات حساس دو بازی ایران با اسکاتلند و هلند عیش طرفداران تیم ملی ۷۸ را تکمیل کرد، عادل با عجله و بسیار خلاصه از این دو بازی گذشت تا دقایقی بعد «نوذر رودنیل» روی خط بیاید و درباره پنالتی بازی پلی‌آف بین پیکان و پگاه اظهارنظر کند. در این راستا می‌شود توجه دوستان را به برنامه‌های مشابهی که این روزها از شبکه‌های مختلف تلویزیون آلمان مثل ZDF و RTL پخش می‌شود، جلب کرد. برنامه‌هایی که حق مطلب را درباره ستارگان دوره‌های قبلی جام جهانی ادا می‌کند، نه مثل نود که با بی‌سلیقگی تمام به این سوژه جذاب نوک زد و می‌شود گفت خرابش کرد. اگر کمی حوصله و خلاقیت بود می‌شد خاطرات را زیباتر و جذاب‌تر عرضه کرد. اما خب، امروز فقط باید به امید چهار سال بعد بود به امید آغاز یک جام جهانی دیگر با حضور ایران... که چهار سال وقت کمی برای تهیه آن برنامه نیست!

ستاره مهجور

یک ایرانی متنفذ تیم امارات تماس گرفته بود تا بگوید الاهلی قهرمان این فصل امارات در حالی بعد از ۲۶ سال این عنوان را جشن می‌گیرد که قهرمانی قبلی نیز با درخشش ستارگان ایرانی حسن نظری و حسن روشن به دست آمده بود و این بار نیز اگر درخشش فرهاد مجیدی نبود شاید قرمزهای دبی همچنان در حسرت قهرمانی مانده بودند. آنچه مسلم است این قهرمانی صحه‌ای بود بر توانایی‌های فرهاد مجیدی مهاجم ایرانی مقیم امارات که با وجود کسب این عنوان به دلیل دوری از پیراهن تیم ملی از سرمربی کروات ایران مکدر است و با واکنش‌های تند شانس خود را برای بازگشت به تیم ملی کمتر و کمتر می‌کند. این دومین عنوان فرهاد در امارات بود که قهرمانی در آسیا را نیز با العین جشن گرفته است. عنوانی که با گل تماشایی خودش به دست آمد. او که در سال‌های گذشته زیر سایه علی کریمی بود، حالا در موقعیتی قرار دارد که کریمی با وجود تمام محبوبیت و کیفیت‌اش به آن نرسیده است. به این تفاسیر اما به نظر نمی‌آید که فرهاد شانس چندانی برای نیل به آرزوها داشته باشد. در مورد فرهاد باید اضافه کرد که امان از حرف مردم که هرچه هست زیر سر آن است!